



رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

سال سوم ، شماره ۱۰۳
پنجشنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۶۰
پهنا ۱۰ سانتی‌متر

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

دولت آیت الله کنی “کابینه آشتی اسلامی”؟



در هر گوشه دنیا هر انسانی که ذره‌ای شعور داشته باشد، با شنیدن این خزعبلات، بدون تأمل خواهد گفت که گوینده‌ی این عبارات را باید هر چه زودتر به دارالمعائن معرفی کرد و طبقی روزنامه‌های جبهه خوار و مرده رژیم جمهوری اسلامی، این هذیای گوش‌ها را با درشت‌ترین حروف ممکن، بر بالای صفحات خود قرار دهند و صدا و سیما ی کریمه رژیم بدفعات آنرا پخش میکند و نوکران ضعیف رژیم آنرا بعنوان کلمات قهار حکیمانه تشخوار میکنند.

ما در اینجا قصد بررسی این هذیان گوش‌ها را نداریم چرا که ذره‌ای ارزش بررسی برای آنها قابل نیستیم. بحث ما در اینجا در مورد بقیه در صفحه ۲

در ۱۶ شهریور ۶۰ آیت اله مهدوی کسی با کابینه ۱۷ شهریور ۵۷ خود نزد آیت الله خمینی رفت. خمینی در این جلسه، نطقی مثل همیشه بی سرو ته ایراد کرد که در زیر چند عبارت آن نقل میشود:

این انفجارات الان در همه دنیا هست. چهارتا پیش هم اینجا باشد. ما وقتی قاپوسه کنیم ملکت خودمان را بر همه مالک که در عالم هست، با ثبات شر از ملکت ما کدام ملکت هست. کجاست که وقتی یک نفست وزیر نور بشود، به سر آینه کشد، یک نفست وزیر دیگری بجای او میاید و زمام امور را بدست میگیرد؟ ... حالا ما دیدیم رئیس جمهور شهید شد و همه ایران شاتش محفوظ است و بالا تر شده است و همه برای او سینه میزنند و عزاداری میکنند. از همه میخواهند حفظ کنید دیگران را. چه شایسته نیست؟ همه جهانش تمام است. همه ی جهانش خوب است... در ایران جز اینکه می چند نفر را میکنند و می هر روز میکنند، دیگر خبری نیست. بوم همه اینجا، ایران با ثبات ترین مالک است الان، و این انفجارات و اینطور چیزها دلیل بر شاتش است. اگر متزلزل بود، اینکارها نمیشد... بنابر این ما چه گرفتاری داریم؟

در صفحات دیگر:

- فائزوم های ساخت کارخانعات آیت اله خمینی
- قتل عام مردم بهکاشه، تکلیف شرعی پاسداران سرمایه
- گزارش از مبارزات خلق کرد

دولت ...

کابینه‌ی آیت‌الله کنی است که بنظر میرسد نشانه‌های - هر چند ضعیف و هنوز کمربک - از یک کابینه‌ی آشتی اسلامی را با خود به‌همراه داشته باشد.

پس از کشته شدن روحانی و باهر، سردمداران رژیم بویژه مقامات عالی‌رتبه‌ی قضایی جمهوری اسلامی، برنده‌ها سر دادند و خط و نشانها کشیدند. از جمله دادستان کشور، آیت‌الله ربانی املشی، به دادگاههای اسلامی برای کشتن و رهنمود داد که از "امیرالمومنین" سباموزند که در یکروزه ۴ نفر را از دم شمشیر میکدرانند. البته چنان پیشنهادی بدون اینکه خم به ابرو بیاورد در یکروز چهار هزار "کافر" را با شمشیر به قتل میرساند باید چنین بیروان خویشواری نیز داشته باشد. و اینها امروز با ملاحضاتی مدون کسوفی قادرند چندین برابر شمشیر، قتل عام کنند. امروز، بعد از قرنهای دروغ باطنی و عوامفریبی درباره‌ی پیشنهادیان مذهبی، پرده‌ها کنار زده میشود. سباده مجاهدین که با یک تنها صداقت، بی‌رحم و آسمان معلق اند و خود را با بخشی از آیات، احادیث و اخبار، دلخوش داشته‌اند، تاقل از اینکه پیشنهادشان در صدد اسلام، از مدرن تا ذیل - حتی خونسپری آنها - در زمان خود، خمینی‌ها، کاشانی‌ها، برومردی‌ها - شیخ فضل‌الله‌ها، بهشتی‌ها، منتظری‌ها، شریعتداری‌ها، ثواب‌مفوی‌ها، فلسفی‌ها، رهنمایی‌ها، موسوی اردبیلی‌ها، باهرها، هادی غفاری‌ها، خامنه‌ای‌ها، ربانی املشی‌ها، قدوسی‌ها، محمدی کیلانی‌ها، خلخالی‌ها ... ی زمان ما و پدران ما بوده‌اند. باری پس از عربده‌کشیه و هل من مبارزه طلبیهای ربانی املشی و سایر رهبران رژیم، آیت‌الله خمینی بلافاصله نه بخاطر "افت اسلامی" (تسویب‌الله!) بلکه بخاطر ملاحظات بسیار مهم سیاسی، نطقی ایراد کرد و در ضمن آن گفت:

"به تمام محاکم توجه میدهم مبادا این شرارنها باعث شود کنترل خود را از دست بدهند و زائد بر قانون اسلام عمل کنند"

"مبادا این اسباب آن شود که خوشبخت زیاد با اسرها و زندانیها بکنند."

به سخنان تهدید آمیز ربانی املشی‌ها بنبروهای انقلابی را بوجت انداخت و نه خزعبلات ربانیکارانه‌ی خمینی، کسی را مرید داد (چرا که علیرغم این بیانات خمینی، جلادان رژیم به دستور او همچنان به کشتار خود ادامه میدهند و هر روز دهها رزمندگی انقلابی را به جوخه‌های اعصاب میسپارند). ماهیت سبامیکارانه‌ی ربانی املشی‌ها و خمینی‌ها به یک اندازه برای مردم شناخته شده است. اما چه چیز است که خمینی‌ها به تندروهای دست‌نشانده‌گان خود مهار بزنند؟ بنظر میرسد که دو عامل بیش از همه در این مورد

نقش داشته باشد:

۱- جلوگیری از کشتارهای انتقام جو- جوانان و سازمان‌نمایان و بدون برنامه، که نهایتاً هیچ مشکلی از مشکلات رژیم برای ایجاد "منبت داخلی" را حل نمیکند. و جایگزینی آن‌ها سرکوب سازمان یافته، حساب‌نده، برنامه‌دار، و نتیجتاً، در کوتاه مدت، موثر.

۲- بازگذاشتن منظری برای نجات احتمالی از مرگ. بررسی عامل اول را (اگر رژیم فرصتی برای تحقق آن یافتم و قبل از آن سرنگون نشد)، به فرصت دیگری واگذار میکنیم و در اینجا سه عامل مهمتر و موثرتر بر این تاکتیک جدید خمینی مینویسیم. زیرا آنچه در حال حاضر، علیرغم باورهای بنظر "با ثبات‌تر از مملکت ما کدام مملکت است" و غیره، فکر خمینی را عمیقاً بخود مشغول داشته، چشم انداز سرنگونی رژیم منفور است.

خمینی پس از مطلق اشاره شده در مورد "اسیرها و زندانی‌ها" دومین گام را در راستای هدفی که در فوق اشاره کردیم، با انتصاب مهدوی کنی به سمت وریری، برداشت و بجای انتخاب یکی از فالانزهای حزب جمهوری اسلامی، یک فرد "سلفی" و "ماترو" را برگزید که عضو حزب جمهوری اسلامی نیست. آنها خمینی با انتخاب مهدوی کنی در صدد تشکیل یک "کابینه‌ی آشتی اسلامی" است. همانطوریکه شاء در زمانیکه سرنگونی رژیم خود را نزدیک دید، "کابینه‌ی آشتی ملی شریف‌امامی" را بوجود آورد؟ به این مطلب خواهیم رسید ولی قبل از آن باید در راستای تاکتیک جدید خمینی به یک نکته‌ی دیگر هم اشاره کنیم:

یکماه و چند روز پیش، کابینه‌ی حجت‌الایلام باهر، دبیرکل حزب جمهوری اسلامی، کابینه‌ی "فاطمیت انقلابی" بود. باهر چند روز قبل از کشته شدنش به "گروهکهای امریکایی" اعلان جنگ داده و پراشان خط و نشان کشیده بود:

"ما این گروهکهای امریکایی... را ضایع خواهیم... و برآیند ما شفاهاهای اسیر قدرتها را در کشور پاک کنیم و بطور قاطع این برنامه را تعقیب خواهیم نمود." (اطلاعات، ۶۰/۵/۲۶)

امروز در سخنان خمینی و اعوان و انصار او نظیر رهنمایی، خامنه‌ای، مهدوی کنی و غیره از "فاطمیت انقلابی" سخن بهمان نمایید. رجسز خوانی‌ها مملکت‌گزار گذاشته شده است. حتی مهدوی کنی، وفسکه از "بیت‌امام" بیرون میاید، بدون هیچ ارتباط با سؤال خبرنگار تلویزیون، "خطاب به گروهها" به آنها "توسیع" میکند که: "سلاحها را بر زمین بگذارند". (اطلاعات ۶۰/۶/۱۷ - سائیده‌ها آزمایست)

ربانی املشی جلاد در "معاویه‌ی اختصاصی" با اطلاعات، رهنمودهای چند روز پیش خود به "دادگاههای انقلاب اسلامی" و درس آموزی از "حضرت علی"، را ترموش کرد و اعلام داشت که:

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

را کلاه گذاشت. میتوان فقط باقی کشید، توجیهات علمی با اسلامی ارائه داد، میتوان مدها نمونه از عبارات "خوبتران و بسیار از آرشو کلمات قمار" بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و بنیادیان مارکسیسم - لنینیسم و رهبران استالینیسم و ماثوستیم، بیرون کشید و لایق واقعیت تاریخی اینست که بزرگترین سازمان خرد، بورژوازی دموکرات و بسیاری از سازمانها و گروههای کمونیستی نیز در برپایی و استقرار رژیم مفسور خمینی، نقش اساسی داشته اند و امروز نمیتوانست مسئولیت تاریخی خود را که مبتنی بر عملکردها، مومکیرها و نوشته های چاپ شده ی آنهاست، منکر شود.



اگر در روزهای آینده، چشم انداز حتمی میهمی برای مشکلات عظیم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نظامی رژیم پیدا نشود، اگر مبارزه ی مسلحانه و غیر مسلحانه ی مخالفان رژیم همچنان موج بگرانی و وحشت بپراکند، اگر مبارزان مسلح کرد، به ضربات کوبنده ی خود علیه رژیم ادامه دهند، اگر رژیم موفقیت حتی ناچیز واقعی (نه دروغین و تبلیغاتی) در جبهه های جنگ با عراق بدست نیاورد، اگر پاداران همچنان کشته شوند یا فرار کنند و سربازگشت روحانیون به حوزه های علمیه ادامه یابد، اگر وقایع هنوز غیر قابل پیش بینی، باقی مانده ی اعتقاد به نفس ظاهر و رهبران رژیم را از بین ببرد، اگر پولی از جایی (شاید از "در غیبت") به خزانه ی خالی دولت ریخته نشود و بسیاری اگرهای دیگر رژیم خمینی را در معرض برنگونی حتمی قرار دهد، در این حال ممکنست گامی به یهودی کشی، "کتابی آشتی اسلامی" باند و ناکتیک عقب نشینی موفقی، به مورد اجرا درآید. ممکنست گفته شود که رژیم خمینی در سرکوب نیروهای اسلامی مخالف آنچنان پیش رفته که راه بازگشت برایش باقی نمانده است. در مورد "حاشیای ناخوشایند بودن خمینی" افسانه های شور رواج دارد که اساسا نادرست اند و در مورد عقب نشینی های موفقی خمینی در دو سال و نیم اخیر دهها نمونه میتوان ارائه داد. مگر بحران خمینی در آغاز ماحضرای گروگانگیری و عقب نشینی فضا تحت بار بمب های او را فراموش کرده ایم؟ مگر خمینی میگفت که "اگر آمریکا، شاه و دارایی های او و خانواده اش را تحویل بدهد در اینحال ممکنست که جاسوسها را محاکمه نکنیم"، ولی سرانجام، آمریکا نه شاه را پس داد و نه دارایی های او و خانواده اش را و خمینی گروگانها به آغامی بیش از بیست میلیارد دلار دغایر ارزی ایران را به آمریکا - لیم آمریکا هدیه داد.

عقب نشینی احتمالی خمینی در مقابل نیروهای اسلامی، نه از عقب نشینی او در مقابل آمریکا خفت بارتر است و نه از نمونه ی دیگری که بعدا (در مورد کردستان) ارائه خواهیم داد.

"سیاستی ۱۰ ماده ای دادستانی کل به قوت خود باقی است." (اطلاعات ۶۰/۶/۱۸۰)

و یا عقب نشینی ناکتیکی مرورانه ادامه داد :

"اما باید متذکر شوم گروهکهای که مسلح هستند و با ما سر دعوا دارند و توجیهی به این اطلاعاتها نمیکند و تنها سلاحشان سلاحی گرم است. ما هنوز اعلام میداریم که اطلاعاتی ۱۰ ماده ای دادستانی انقلاب با نظر شورای عالی قضایی بوده و بقیه خود باقی است و هر کسی که بخواهد در این مملکت فعالیت سیاسی داشته باشد باید از چهارچوب قانون اساسی و مقررات خارج خود برآید اما اجاره ی فعالیت سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی احزاب می دهیم و خواهیم داد." (همانجا)

سؤال فیلا عنوان شده را تکرار کنیم: آیا گامی به یهودی کشی، "کتابی آشتی اسلامی" است؟ بنظر ما هم آری و هم نه و دقیق تر اینکه: بهنگام نگارش این مقاله، هم آری و هم نه. دو هفته ی دیگر، یعنی در اولین هفته ی مهر ماه، اگر میخواستیم به این سؤال جواب بدهیم میتوانستیم دقیقتر (به کاملاً دقیق) بگوئیم: آری یا نه. توضیح خواهیم داد برای چه؟



خمینی بارها و بارها، چه قبل از قیام و چه در این دو سال و نیم، از "سرمش" مرورانه ی ناکتیکی و دقیقتر بگوئیم از حربه ی سرنگ استغاده کرده و هر بار که خوش از بیل کشیده، به تنها به یاران و متحدان مقطعی، بلکه حتی به دشمنان ساده لوح خود، خندیده است. در اینجا لزومی ندارد که به یادآوری ترازوی دردناک و دیوانه کننده ی ماههای قبل از قیام بپردازیم و یک بروی رحمتا بپائیم و بروی شیرنگ بار بپاییم و گرسن شهادت قرن را دنبال کنیم. در اینجا به فرصتهای سرگ و گراسهای تاریخی نمیپردازیم که بعد از قیام بوجود آمدند که میتوانستند و استفاده ی مضمون رژیم ولایت فقیه جلوگیری کند و با سر این حیوان درنده را به سرنگ بکشد. ولی به تنها بخاطر حماقتهای طبعانی و حماقتهای بارزگان ها، سنجایی ها و بنی مدر ها، بلکه بیشتر بخاطر تربت طلبی ها، حماقات کاسکارانه، تسلیم طلبی ها و فقدان آگاهی طبعانی بزرگترین نیروهای دموکرات (مجاهدین) و بیپ (قدشاهان خلق) سرباد رفتند. امروز مسعود رحوی در محاصره های خود در خارج از کشور چه راحت میتواند بگویند :

"ما از همان اول مخالف خمینی بودیم."

تقریباً میتوان بروی هزاران هزار نمونه از اعلامیه ها، جزوات مجاهدین و مقالات مجاهد (حتی تا همین سه ماه پیش) به بکاره با یک سارت، خط سیاه کشید. به مردم میتوان دروغ (مسلحتی) گفت ولی مگر میتوان سر تاریخ

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

"منکمل" تر. بویژه اینکه توجه کنیم خطر نابودی رژیم او در حال حاضر، بیش از هر زمان دیگر در گذشته است. خمینی، علیرغم پاوه گویی هایش که در آغاز این مقاله نقل کرده ایم، هیچگاه رژیم خود را مانند امروز در آستانه سقوط ندیده است.

علاوه بر اینها، اگر قرار شود که کابینه‌ی مهدوی کنی، "کابینه‌ی آشتی اسلامی" باشد، هیچ لازم نیست که خمینی را با اقدام کند و ممکنست همانطوریکه در ماجرای "حل مسأله‌ی گروگانگیری" دیدیم، اصلا خود را وارد معرکه نکند و دستکاری با و کنی‌ها و "دیگران" (مثلا فلسطینی‌ها) محلل مضمه باشد.

در این حال ممکنست این سؤال پیش بیاید: حتی اگر خمینی حاضر به عقب نشینی شود، نیروهای اسلامی مخالف (بویژه مجاهدین)، با توجه به آنچه بر آنها گذشته، حاضر به مصالحه نخواهند بود. تجربیات تاریخی در همه جا، و در این دو سال و نیم در ایران، نشان داده است که چنین نیست. بازرگان‌ها با سر خواهند دوید، بنی - مدرها با کمی باز و غمزه از راه خواهند رسید (مگر بنی مدر همین چند روز پیش در پاریس گفته بود: "در صورتیکه آیت الله خمینی، طبق تمهیدانش در سوئل لوئانو در سال ۱۹۷۹، رجعت به آزادیها را بپذیرد، حاضریم که به ایران برگردیم". روزنامه‌ی فرانسوی لومانش، ۱۷ اوت ۸۱-۲۶ مرداد ۸۰)، و اما مجاهدین؟ در صورت بروز احتمال عقب نشینی، متاسفانه مجاهدین حتی امروز نیز آمادگی از راه رسیدن و لبیک گفتن را ندارند. از اصول حاکمیت خودشان نا پذیرند.

"نرئزل و ناپهگیری حربه بورژوازی در مبارزه که بگذریم، عملکردها و موضعگیریهای مجاهدین در دو سال و نیم گذشته و حتی تا قبل از ۳۰ خرداد ۸۰، جز این نبوده است.

در دیماه ۵۹، زمانی که مجاهدین از هب طرف مورد تهاجم رژیم قرار داشتند و تظاهرات مسالمت آمیز آنها در تهران و شهرستانها بدون کشیده میشد، نامه‌ای به مرتجع معروف آیت الله منتظری نوشتند و از فردی که بیش از همه آنها را مورد حملات شدید و توجیهانه قرار میدادخواستند که "توبه‌ی آنها را به مقامات و مسئولین مملکت" بفرماید:

"... حضرت آیت الله منتظری! بعدا ما در این مملکت خیلی مظلوم واقع شده ایم ... ما هم چیزی نمیخواهیم جز اینکه حداقل همین حقوقی که در قانون اساسی ((برای "اقلیت‌ها")) شناخته شده در مورد ما هم رعایت شود تا ما هم بتوانیم با فراغ بال و در کنار مردم به وظایف اسلامی و انقلابی خودمان در جهت حراست از میهن و انقلاب و مکتب بپردازیم. امیدواریم جنابعالی در این زمینه توصیه‌های لازم را به مقامات و مسئولین مملکت بفرما - شید." (مجاهد، شماره ۱۰۳)

و در صورت اظهار مطلق خمینی به عقب نشینی

موقتی و اعطای امتیازات هر چند کوچک و در صورت معرفی رسمی کابینه‌ی مهدوی کنی بعنوان "کابینه‌ی آشتی اسلامی"، نباید تعجب کرد که مجاهدین از نیروهای باشند که به "پنجم انقلابی امام" لبیک بگویند و بسیاری از نیروهای چپ، همچون گذشته (که نه شناختی از ماهیت طبقاتی حاکمیت دارند و نه از تجربیات فراوان دو سال و نیم اخیر چیزی آموخته‌اند) یکبار دیگر دچار سرکشی شوند و یکبار دیگر بدام افتند. این تراژدی بزرگ ملتی است که سرسوت آن بازبجه‌ی حاکماتی دغلماز و شهاد و محالغاسی ساده لوح و فرست طلب و نادان است. چرا که طبقه‌ی کارگر، طبقه‌ی واقعا و تا به آخر انقلابی، هنوز در صحنه‌ی کارزار حضور ندارد.



احتمال عقب نشینی رژیم، با توجه به مجموعه‌ی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سیاسی به نشانه‌های چشمگیری که در صفحات قبیل ارائه داده ایم و غلام کمتر چشمگیری که در صفحات بعد عنوان خواهیم کرد، امروز احتمال چندان ضعیفی نیست. فقط حوادث و وقایع غیر قابل پیش بینی در روزها و هفته‌های آینده (و نیز پاره‌ای "عوامل" موهوم نظیر بد آمدن استخاره) ممکنست این احتمال را به حد ضرر برسانند و خمینی تا حد خودکشی پیش برود. خمینی فقط جایکار و شهاد نیست بلکه بندهای بسیار ماهری هم هست و حتی با "بواب آمدن استخاره" نیز ابتدا به خودکشی علاقه‌ای ندارد. خمینی چه قبیل از قیام و چه پس از آن بارها و بارها، مهارت خود را هم در شادی و هم در پنداری نشان داده است.

امروز کمتر املهی است که شیده ساری سفارت آمریکا را به بعنوان وسیله‌ای برای استحکام حاکمیت ارتجاعی ولایت فقیه بلکه بتوان مبارزه‌ی صدام برپا نمیشد باور داشته باشد و لسی در آنوقت بسیاری از سازمانهای کمونیستی و دموکرات (متخما فدائیان خلق و مجاهدین) مریب آن خیمه شکاری را حورده و خمینی را مادافانه رهبر فدائیان است میخوانند. در آن ایام کم نبودند کسانی که خیال میکردند خمینی آنچنان تند رفته است که در هیچ حال امکان ندارد (و حتی اگر بخواد، نمیتواند) در مقابل آمریکا کوتاه بیاید ولی دیدیم که با چه سرکشگی و خفتی در مقابل آمریکا کوتاه آمد و کمر خم کرد. گفته ایم و تکرار میکنیم که عقب نشینی احتمالی خمینی در مقابل مخالفین داخلی (در جرگه‌ی اسلامی و طرفداران رنگارنگ جمهوری اسلامی) فقط در حالتی خواهد بود که مرگ حکومت ولایت فقیه خود را قطعی و اجتناب ناپذیر ببینند. در این حالت "رهبر بارش ناپذیر" بهانه‌ای، حبله و سیرنگ جدیدی، وسیله‌ای برای آن پیدا خواهد کرد. یک عقب نشینی موقتی بمنظور آمادگی بیشتر برای جهش بعدی. از نمونه‌های بسیار، یک نمونه‌ی معروفتر از این شاکتیک سیرنگ را در زیر نقل می کنیم:

پیش بسوی قدارك انقلاب سوسیالیستی

کودتای ۲۸ مرداد ۵۸، حمله به نیروهای انقلابی، تعطیل روزنامه‌های مرفعی، یورش و اشغال مقر سازمانهای انقلابی و دموکراتیک و بالاخره اولین حمله سراسری به کردستان را به دنبال داشت. در ۲۷ مرداد، یکروز قبل از افتتاح مجلس ارتجاعی خبرگان و ماهها قبل از اینکه قانون اساسی قرون وسطایی رژیم تصویب شود، خمینی فرمان معروف خود را صادر کرد و در آنجا برای اولین بار خود را "فرماندهی کل قوا" خواند. در فرمان جلاد برای اولین گشتار سراسری کردستان آمده بود:

"من سمعان فرماندهی کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور میدهم، اگر با توپها و تانکها و توای محیر تا ۲۴ ساعت حرکت بسوی پاوه بشود، من همه را مسئول میدارم. من دستور میدهم بطرف پاوه رفت و غائله را ختم کند."

بدنبال حملات وحشیانه و گستردهی سپاه پاسداران و ارتش فرماندهی مشترک وزیر دفاع، بمظفری جمران و فرماندهی ستاد عملیاتی سپاه پاسداران اموشریف، پس از گشتار هزارتن از توده‌های محروم کرد توسط تانکها، خمپاره‌ها، بمب افکنها، پس از جنایات خلیجی دوانه که به دستور خمینی به کردستان اعزام شده بود، پس از رجوع خواستهای بشمار خمینی و سایر رهبران جمهوری اسلامی که تا پیروزی کامل و ختم غائله، جنگ ادامه خواهد یافت، کم نبودند کسانی که میبایست شدند خمینی تا آنجا در حرف و در عمل پیش رفت که راه بازگشت برای خود باقی نگذاشته است. ولی از یکطرف مقاومت قهرمانانای خلیج کرد و شکست نظامی مقتضای رژیم جمهوری اسلامی و از طرف دیگر نزدیکی زمان رفواری دوم قانون اساسی ارتجاعی، خمینی را بیکار داشت و ادار به عقب نشینی موقتی کرد. خمینی تا کهان در میان صحت صغای در ۲۶ آبان ۵۸ پیغام معنی فرستاد که نظری از آنها بدل میکنیم:

"اسلام بزرگ تمام تشکیلات را محکوم نموده و برای هنج گروهی ویزگی حامی قرار نداده... و در بناء اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع محرکونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت میباشد و مقررات و قوانین مربوط به آن پیروزی اشالله تعالی تدوین میشود." (اطلاعات - ۵۸/۸/۲۷)

"از هیات ویژه میخواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصتهای مدسی و سیاسی و ملی سایر قشرها تماس بگیرند تا تا بین خواستههای آنان که خواست ما نیز هست تلور دلخواه بشود." (همانجا)

در این پیام خمینی دست خود را نه تنها بسوی "برادران کرد" بلکه "عاجزانه" بسوی تمام "خواهران و برادران هم مین سرنا سر کشور" دراز میکند:

"خواهران و برادران هم مین در سرنا سر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما بخاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه میخواهم که تمام نیوان خود را برای نجات کشور بکار برید."

و آخرین عبارت پیام مفضل "شاید بزرگترین پایان می باشد:

"تارالهی، من تا مورت خود را که نصیحت به ملت است بقدر توان صعیف خود انجام دادم و توای خدای بزرگ، قلیوب ملت ما را پیوند برادرانه عطا نما."

درست در لحظاتی که بدنبال شکست نظامی رژیم، مقاومت قهرمانان و فداکاری خلق کرد میرفت که شمراث خود را بهار آورد و سر به های نهایی (حداقل در کردستان) بر این رژیم منفور وارد آورد، شهرت جدید با پیام ۲۶ آبان خمینی مادر شد. به تنها کلمه گروهها و سازمانهای سوزناهی و خرد بورژوازی (از جمله دموکرات و سازمان مجاهدین)، بلکه اکثر گروهها و سازمانهای کمونیستی (سویزه فداشیان خلق یعنی عمده ترین نیروی فعال کمونیستی سراسری در کردستان)، دچار سرگیجه شدند و بکار دیگر، از خمینی رو دست خوردند.

شما زندگان و رژیم جمهوری اسلامی بدستور شخص خمینی (بطوریکه در عبارات پیام مستدرج در فوق نیز منعکس است) نه فقط با "قاسملو" مقصد "عزالدین مقصد" بلکه سوبزه شما بهندگی "کفر والحاد" به مذاکره نشنند. اتفاقا همین آیت الله بیدوی کسی (نخست وزیر "کابینهی آنتی اسلامی" احتمالی) بعنوان عضو شورای انقلاب اعلام داشت:

"حزب دموکرات دوباره به رسمیت شناخته میشود." (اطلاعات - اول آذر ۵۸)

و قاسملو در بستیک بزرگ بهاباد گفت:

"ما به پیام امام لبیک گفته ایم." (اطلاعات - ۵۸/۸/۳۰)

سازمان مجاهدین خلق، که ببول رفقای کومه له در شماری یک تشریهی "پیشرو" دربارهی گشتارهای وحشیانهی رژیم کاملاً بی تفاوت مانده بود، تا کهان ذوق رده شد و قبل از تمام گروهها و سازمانهای سیاسی دربارهی پیام ۲۶ آبان، خمینی، موضع گرفت. مجاهدین در اعلامیهی مورخ ۲۷ آبان ۵۸ خود، که در صفحهی اول اطلاعات همان روز بجاپ رسید، خطاب به خمینی چنین نوشتند:

"پدر بزرگوار، پیام شما بیش از ضرورت برسمیت شناختن حق اداره امور داخلی

گشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

و معنی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی برای تمام قشرهای ملت منطبق برادران گردد، قلب فرزندان شما ((معاقدین)) را مالا مال از سرور و شادی نمود ...

در این طب نشینی یقیناً، خمینی از همان آغاز ابتدا قصد "رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی برای تمام قشرهای ملت منطبق برادران کرد" را نداشت. هدف او با توجه به شکست نظامی رژیم و پشتسر گذاشتن مرحله مهم فرانسیسم قانون اساسی چیزی جز تجدید قوا و تدارک خطه سراسری میسر به گردستان نبود که پنج ماه بعد در اوایل بهار، تقریباً همزمان با پیروزی دانشگاهها، با شرکت فعال بنی صدر، رهبر جمهر و فرمانده گ قوا، آغاز شد و هنوز ادامه دارد.



و امروز که بحران رژیم بعثت مرگ بار نرس از کلیه بحرانهای گذشته است و خمینی به پیش از هر زمان دیگر رژیم منفر خود را در آستانه سقوط میبیند، احتمال طب نشینی و نبرنگ جدید به پیچیده در از ذهن بنظر نرسد. اگر های اشاره شده در صفحات قبل، میتواند از کابینه مهدوی کنی بطور رسمی، کابینه آشتی اسلامی بسازد. نشانه های آراء شده در صفحات قبل را در اینجا بطور خلاصه نقل میکنم:

- ۱- "توجه" دادن خمینی به تمام معاکم در مورد از دست ندادن کنترل خود و عدم افسال "خشونت زیاد با اسیرها و زندانیان".
 - ۲- لعن کثر تهاجمی و زنانه های مزدور و صدامی و قبح و توکلان رژیم در چند روز اخیر نسبت به نیروهای انقلابی.
 - ۳- سعی غیر متعارف رهبران رژیم نظیر رستمجانی و خامنه ای و غیره در آرام کردن جو و ایستاد محوطه های اخلاقی بجای شاخ و شانه کشیدنهای معمولی.
 - ۴- فرو نشستن "غلبانی انقلابی" در استان کلا، ربانی املشی، و اعلام بی مقدمه او در مورد همیان معتبر بودن بیانیه گدایی (۱۰ مادمای دادستانی در زمینه آزادی فعالیت های سیاسی بر اساس قانون اساسی).
 - ۵- انتخاب یک مبره غیر حزبی و "میانرو" از طرفی خمینی به نخست وزیر بجای انتخاب یک قائلان معروف حزب الهی.
 - ۶- "توصیه" ی نخست وزیر جدید به گروهها در موردی تشبیه بودن "حکایت سلیمان" و درخواست عدم توسل به سلاح بجای تهدید ها، التیماتوم ها و ضرب الاجل های متداول.
- بر اینها میتوان نشانه های کثر چشمگیر را به صورت شرطی و سؤالی مطرح کرد:
- (۱) قیمت صفری پانزده روزه خمینی، همیون سایر موارد بحران و حساس گذشته، برای اعلام موضع غیر متوجه و فاشگیز کننده است و با همیون خل صالنه گروگانها، برای ساکت ماندن و باز گذاشتن دست و بال خطه و اگره ها و کارهای کن های اوست؟

(۲) تعطیل پانزده روزه مجلس، علاوه بر وحشت رژیم در مورد انفجار کاخ مجلس و سنا و نابودی وکلای اسلامی، آیا دلیل دیگری نیز دارد؟

(۳) بنی صدر بارها در صاحبه های در خارج از کشور گفته است: اگر آیت الله خمینی احکام را متوقف کند، بعب گذارها و تهرها هم متوقف خواهد شد. و نقل قول اخیری از او را در صفحات قبل آوردیم که: اگر خمینی رجعت به آراءها را بپذیرد حاضرم به ایران برگردم. سوال این است که: اینها نظر شخصی آقای بنی صدر است و یا این فرمایشات مورد تأیید متحد و همسر او، محمود رجوی نیز هست؟

(۴) آیا هانی الحسن، مشاور نزدیک باسر عراق و سفیر سابقی فلسطین در جمهوری اسلامی، فقط برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد خرید اسلحه توسط جمهوری اسلامی از اسرائیل به ملاقات محمود رجوی رفته است و یا با توجه به روابط بسیار خوب او با رهبران رژیم و محمود رجوی، ماموریتی مستقیم یا غیر مستقیم داشته است؟ البته هانی الحسن، پس از ملاقات با رجوی، در ضمن گفتگوی کوتاه با خبرنگاران، با تأکید به روابط حسنه با جمهوری اسلامی و برادران میاهد، گوشه ای از پرده را کنار زد. ما نمیخواهیم در ایران حمام خون بسرا بپاشد. (جالب است که بدانیم پس از افتخار ملاقات هانی الحسن و محمود رجوی، سازبان باسر عراق در بیروت بلافاصله خبر این ملاقات را در دو روز معص غواند و اعلام داشت که در زمان ملاقات، هانی الحسن نه در پاریس بلکه در صوفیه بود. البته روزه بعد از زنانه های "لوطان" پاریس و "تاپیز" لندن، حکم آتی از هانی الحسن در کنار محمود رجوی در افتخار بنی صدر در حومه پاریس، انتشار دارند. و محمود رجوی نیز در صاحبه با نشریه لبنانی "السنهار" این ملاقات را تأیید کرد).

اگر تمام این موزائیک ها یعنی نشانه های غیر چشمگیر (که شکست در ریزها و هفته های آینده با شفافیت بیشتری قابل رویت باشند) و نشانه های چشمگیر اشاره شده در فوق را در کنار عوامل تعیین کننده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و در کنار وحشت صحنی رهبران از سقوط رژیم و اختلافات شدید بین آنها (بین حاکمیت پظاهر و حکومت و یکپارچه م) در زمینه نحوه برخورد با مخالفان و عدم کارائی سرکوب خونین و وحشیانه و غیره قرار دهیم، آنوقت میتوان مهدوی کنی کرد که احتمال تبدیل کابینه مهدوی کنی به "کابینه آشتی اسلامی"، احتمال چندان ضعیفی نخواهد بود؛ با تأکید بروی این شرط، که نزدیک خمینی در سرنگونی قریب الوقوم رژیم او به یقین تسبب میکند. و در شرایط کنونی، فاصله این "تهدید" و یقین یک گام بیشتر نیست. و نیز انتصاب مهدوی کنی به نخست وزیر و اعلام رسمی کابینه آشتی اسلامی، از کابینه آشتی ملی "شریف امامی"

را به رژیم جنایتکارانه تبدیل کرد، میتواند کابینه آشتی اسلامی، مهدوی کنی را به رژیم جنایتکار خمینی نیز تبدیل کند. ولی همانطور که میانه رو و غیر حزب رستاخیزی بودن شریف

امامی و کابینه آشتی ملی * او نتوانست از سرنگونی رژیم جنایتکار شاه جلوگیری کند، * غیر چیزی میان رو * بودن مهدوی کنی و * کابینه آشتی اسلامی * احتمالی او نیز در آینده نخواهد توانست رژیم جلاد خمینی را از سرنگونی حتی نجات دهد. همانطوریکه شریف امامی، نخست وزیر، رئیس مجلس خبرگان و از مهره های اساسی رژیم شاه و در تمام جنایات او شریک بود، مهدوی کنی نیز نمیتوان عضو اولیه شورای انقلاب، * سرپرست کشته ها، وزیر کشور و از مهره های اصلی رژیم خمینی و در کلیه جنایات رژیم او سهیم است. * رژیم دستاورد و در مانده خمینی با یا بدون * کابینه قاطعیت انقلابی * با یا بدون * کابینه آشتی اسلامی * محکوم به سقوط و زوال حتی است. در صورت بروز نبرد جدید خمینی، برای رهایی از کابوس این رژیم جنایتکار و به دور ریختن لاشه پوسیده و متعفن آن، هیچ راهی (حتی برای کسانی که شناخت علی در مورد قوانین ناظر بر مبارزه طبقاتی ندارند) جز استفاده از همان تاکتیک سازش ناپذیری خمینی در زمان شاه وجود

ندارد: * خمینی باید برود * در هر شرایط (با یا بدون عقب نشینی موقتی خمینی)، هیچ عاقبتی جز استفاده از تاکتیک سرنگونی رژیم اسلامی، * منتهی نیست. باید رژیم خمینی (نه آنطوریکه قیلا میبایدین میگفتند و اکنون فدائیان اقلیت میکنند: * حزب جمهوری اسلامی *) سرنگون شود.

برخورد انقلابی با رژیم خمینی. به سر - گشتگی همیشگی * اقلیت و نیکار بودن عبارات * دیپلماتیک است. نه راست روی * پیکار - به عنوان آنچه جبروی های گذشته - در آغاز * تاکتیک عقب نشینی موقت * (مقاله های ۱۱۴ و ۱۱۵ پیکار) و نه معانات مقهور نیروهای دموکرات در صورت عقب نشینی موقتی رژیم. بر - خورد انقلابی در مقطع کنونی، در هرحال و حتی در صورت اعطای باره ای امتیازات از طرف رژیم، طرح صریح و قاطعانه مسئله سرنگونی رژیم و بر داشتن * گامهای عملی در این زمینه است. باید به این رژیم نیمه جان محکوم به مرگ، گاری ترین ضربات مهلک را فرود آورد. و گرنه، آیت الله با

است خطان * همانطوریکه بارها و بارها در ظرف دو سال و نیم گذشته دیده ایم، وقتی که بحران مرگ بارگشتی را پشت سر گذاشت، پیکار دیگر سریش همگان خواهد خندید.

* شیخ علی نهرازی، یکسال پس از آغاز دومین جنگ مرابری کردستان، در یکی از شماره های نشریه * معاهد * لاس کرد که رهبران جمهوری اسلامی پس از * خوب آمدن استخاره * این جنگ را آغاز کردند. خمینی مانند دهها مورد گذشته، هر بار که در تنگنا می افتد و رژیم خود را در معرض خطر می بیند، به محبت صبری و ست نشستن متوسل میشود و شاید یکی از عوامل موثر در تصمیم گیری های او استخاره باشد. از یک مشت دعا نویسی و روضه خوان و توضیح المعاشل نویسی، برای حل معضلات جامعه، نوعی سبزه زاری این هم نباید داشت.